



۲ ژوئن ۲۰۰۹



از مقام و حرمت
زن به دور
می‌داند که ...

محسن و صادق!

بحران‌سازی محمود احمدی‌نژاد بر محور «افشاگری» مفسدان اقتصادی، همانطور که می‌دانیم از نخستین روزهای دولت نهم در جمکران آغاز شده بود. این دولت مرتباً از «افشاگری‌های» کذا شعارها می‌ساخت و بر محور آن‌ها هیاهو بر پا می‌کرد، تا به این وسیله عملکرد سرکوبگرانه و غیرانسانی خود را در پوشش «افشاگری» مخفی نگاه دارد. این یکی از سیاست‌هایی است که در تاریخچه «پوپولیسم» سیاسی در صدها کتاب و مجلد متخصصین به بررسی آن پرداخته‌اند، و بر خلاف ادعاهای اوپاش جمکران «افشاگری» به هیچ عنوان اختراع دولت نهم نیست. بسیاری از دولت‌ها برای اعمال یک سیاست مشخص و معمولاً «غیرقابل توجیه» و «ضدمردمی» سعی می‌کنند توجه عموم را به هر وسیله از مسیر اصلی حکومت منحرف کنند. و در ملغمه‌ای که جمکرانیان طی سه دهه در آتش و خون به راه انداخته‌اند، بهترین وسیله جهت انحراف افکار، «برخورد» فرضی دولت با افراد و بنیادهایی است که «بیت‌المال» را طی سه دهه بالا کشیده‌اند. البته پرواضح است که این «برخورد» در حد گفتار و هیاهو متوقف می‌ماند، می‌دانیم که چاقو از قدیم‌الایام دسته خود را نبریده، و این اصل در جمکران نیز کاملاً صحت دارد.

ولی کیست که نداند در این حکومت، مفسدان بر صدر مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، قوه قضائیه و نهادهای دیگر حکومتی نشسته‌اند؛ کیست که نداند سپاه پاسداران پس از به اصطلاح «دفاع مقدس» عملاً تبدیل به یک مافیای «مالی - اقتصادی» شده و اعضاء بلندپایه آن در ساختارهای «نظامی - مالی» به جان ملت افتاده و فعالان می‌شاع‌اند؟ خلاصه می‌گوئیم، عنوان اینکه این تشکیلات از پایه و اساس در فساد

نان خشک و درویشی «قانون‌گرایی» به زیر دندان انداخته. انصافا به این می‌گویند «قوة خوب»!

خلاصه قوة قضائیه به حضرت «ریاست جمهور» پیام مشخصی می‌دهد: «اگر افسارت را رها کرده بودیم تا جفتک بیاندازی برای این بود که نان برای‌مان در تنور مردم‌فریبی می‌چسباندی. حال که ممکن است گورت را گم کنی مواظب حرف دهانت باش!» و چنین پیامی در حکومت «عزت و اقتدار» بسیار شیرین و گوارا است. خصوصا که مشتکی اوباش احمق فکر می‌کردند احمدی‌نژاد آمده تا شبکه‌های مافیائی را که کاخ سفید در رأس آن نشسته از میان بردارد، و با کمک «مال‌خرها» و دلال‌های بازار تهران، کشور ایران را در هزاره سوم «گلستان» کند. آنهم چه گلستانی، اسلامی، انقلابی و خصوصا مردمی!

حال که سری به «گلستان اوباش» حزب‌الله زدیم بهتر است نگاهی هم به «آذربایجان جمکران» بیاندازیم. «اکبر اعلمی» ۸ سال نماینده مردم تبریز در مسجدشوربای جمکران بوده. ولی ایشان امروز یک نامه گلایه‌آمیز به علی خامنه‌ای نوشته‌اند! ایشان می‌گویند، «بالام جان» چرا نامهربانی؟ بله، انتخابات به کنار، مسئله گلایه و گله‌گزاری آذری‌ها با یکدیگر جداست. اعلمی می‌گوید خلاصه «جناب‌عالی» که خودتان از خودمان هستید، «چرا کوبه‌یقلی صلاحیت منیم تأیید نچردی؟» و در آخر نیز اعلمی رسماً می‌گوید مسئولیت تصمیمات شورای نگهبان با شخص علی خامنه‌ای است.

از قدیم گفته‌اند، زمانیکه طاعون به کشتی می‌افتد، موش‌ها که خود ناقل این بیماری‌اند اول از همه به آب می‌پرند! امروز هم امثال اعلمی که سال‌ها نانخور مقام‌معظم و ولایت و کثافت بوده‌اند، وقتی که می‌بینند کشتی مقام معظم دکل‌اش به زیر آب می‌رود چماق برداشته توی سر خامنه‌ای می‌زنند! یکی نیست به این اعلمی بگوید تو که ۸ سال در مجلس جا

مالی دست و پا می‌زند، هیچگاه مسئله جدیدی نبوده؛ آنچه جدید بود، و با هیاهوی احمدی‌نژاد آغاز شد، افشاگری از زبان رئیس‌جمهور همین تشکیلات بوده است. و دیدیم که چگونه این «کمدی» مضحک و ابله‌فریب طی چهارسال برخی را حسابی فریفت و برای برخی دیگر نیز زمینه مناسب جهت فریفتن دیگران فراهم آورد.

ولی روشن بود که این «افشاگری‌ها» در مرحله هیاهو و پوچ‌بافی باقی خواهد ماند. و اظهارات برخی افراد که در رأس آنان می‌باید «عباس پالیزدار» را قرار داد، بیشتر جنبه نمایشی داشت. از سرنوشت فعلی «حاج عباس» اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی مسلم است که ایشان در رده تصمیم‌گیری در بطن قوة قضائیه حکومت اسلامی مسند و دفترودستی ندارند! خلاصه مطلب دادوفریادی به راه انداخته بودند که به قول ملانصرالدین هدف اصلی‌اش همان «لحاف ملا» بود.

امروز همین قوة قضائیه که طی «افشاگری‌های» پالیزدار و دیگران خفقان مرگ گرفته بود، خناق از حلقومش به در رفته، و از زبان علیرضا جمشیدی، سخنگوی خود در برابر تمایلات حضرت «مهرورزی» جهت افشای نام سوءاستفاده‌کنندگان از بیت‌المال می‌گوید:

«اعلام اسامی این افراد تنها وظیفه دستگاه قضائی است.»

منبع: رادپوردا، ۱۲ خردادماه سالجاری.

خلاصه کلام قوة قضائیه که پیشتر پای پیش نمی‌گذاشت تا بگوید، در یک حاکمیت کسی حق ندارد چنین کلی‌گوئی‌هایی، آنهم از زبان رئیس‌جمهور در سطح کشور پخش کند، امروز نقش «قانونی» بر عهده گرفته! این تشکیلات «قانون» می‌شناسد، و خیلی هم طرفدار قوانین شده. ولی فراموش نکنیم که این قوة قضائیه مفسدپرور و اوباش‌پرست چند روز پیش سه نفر زندانی را به جرم فرضی اینکه همفکران‌شان «بمب‌گذاری» کرده بودند، در شهر زاهدان به دار آویخت! این نوع «قانون‌شناسی» و قانون‌گستری را مسلماً فقط می‌توان در بطن حکومت صدر اسلامی پیدا کرد! و ایزد متعال را سپاسگزاریم که چنین حکومت «شترگاوپلنگی» هم نصیب ملت ایران کرده!

بله، زمانیکه احمدی‌نژاد سوار بر اسب پوپولیسیم و جاکشی به تاخت و تاز مشغول بود و برای همین قوة قضائیه، و دوستان و آشنایان‌اش توشه راه می‌ساخت تا بتواند نفت بشکه‌ای ۱۵۰ دلار را در پس این هیاهو به باد دهد، قوة قضائیه در مصاف با مزخرف‌گوئی امثال پالیزدار و شه‌بازی زبان‌اش را به «آقاموشه» قرض داده بود، حال که احمدی‌نژاد ممکن است واقعا برای «انتخاب» مجدد در مقام ریاست‌جمهور نام مشتکی کله‌خر و آدمکش را در عمل طی مصاحبه‌هایش بیرون بکشد، قوة قضائیه لقمه چرب «افشاگری‌های» نان و آبدار را از دهان برداشته،



«مهندس موسوی کلاً از مقام و حرمت زن به دور می‌داند که زن در آن دسته از خریدهایی که با کاسب و مردان محل سروکار دارد وارد شود و از غیرت مرد مسلمان جایز نمی‌داند که تن بدهد به این موضوع که زنان بی‌جهت در کوی و برزن ظاهر شوند و با این و آن هم سخن شوند.»

به این می‌گویند رئیس جمهور! هم آخوند و متحجر و احمق است، و هم «مهندس»! حالا هم مشتی احمق‌تر از خودش دوره راه افتاده‌اند که این تحفه متعفن حوزه و دانشگاه را به مقام ریاست جمهوری برسانند! بله، در روز انتصابات، «زنگ سبز» یادتان نرود. ولی ما پیشنهاد می‌کنیم که پس از «افشاگری» ایرنا، طرفداران میرحسین موسوی بجای «زنگ سبز» بهتر است «زنگ گه» را انتخاب کنند. چرا که هم به یاد تصاویر نامزد محبوب‌شان می‌افتند، و هم در روز انتخابات عطر نظریات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ایشان مرتب مشام‌شان را نوازش خواهد داد.

ولی حالا که حرف از «گه» زدیم، از کنار صادق طباطبائی هم بهتر است بی‌توجه نگذریم. صادق طباطبائی در روزهای نخست کودتای ۲۲ بهمن به دلیل ور رفتن و غش‌غش خندیدن با یاسر عرفات در برابر دوربین‌های تلویزیونی، ملت برای‌اش حرف در آورده بود و سریعاً به لقب «صادق خوشگله» معروف شد. امروز همین صادق خوشگله در کنار سردار بزرگ ملت ایران، «محسن رضائی» نشسته! «محسن کله» معروف به «محسن بمب»، از نظر صادق خوشگله بهترین گزینه برای ریاست جمهوری جمکران است. البته به دلائل ایشان کاری نداریم! ما که قرار نیست به این‌ها رأی بدهیم، آن‌ها که احساس «مسئولیت» می‌کنند، می‌توانند اظهارات سراسر «مسئولانه» صادق خوشگله را بخوانند و خود تصمیم بگیرند. ولی زوج «صادق خوشگله - محسن خوش‌تیپ»، حتی به عقیده ما هم که در این انتخابات شرکت نمی‌کنیم، بهترین گزینه برای ملت ایران خواهد بود.

می‌دانیم که اصولاً زن جماعت به فرموده «مهندس» نمی‌باید زیاد این ور و آن ور برود! «غیرت» و این جور چیزها به جوش می‌آید. در نتیجه

خوش کرده بودی برای این ملت چه کردی، که امروز می‌خواهی رئیس‌جمهور شوی؟ چطور آن روزها که ساواک و سپاه پاسداران برای تو و امثال تو رأی می‌ساخت تا روی صندلی‌های مجلس چاق و چله بشوی «جمهوریت» نظام به خطر نیفتاده بود، حالا که دیگر کارشان با تو تمام شده، «جمهوریت» به خطر افتاده؟ این چه نوع جمهوریت است که با شخص اعلی پیوند ناگسستنی پیدا کرده؟ خلاصه اگر شخص امام زنده بودند، روی بالکن می‌رفتند و این اعلی را حسابی «ارشاد» می‌کردند.

«اینطور نباشد که توی سر آقای خامنه‌ای بزنند. این آقای خامنه‌ای را اگر ما بزرگ نکرده‌ایم بقیه کرده‌اند. حجج کرده است، بازاریان کرده است، اصناف و بقیه و همه و همه کرده‌اند. اصلاً این انقلاب مال همه بوده. من به آقای اعلی (چی؟ بچه! دست نکن! اعلی کدوم خریه؟ اعلی اینه؟! نه اونه!) تکبیر!

ما هم از پشت همین تخته‌کلید مایکروسافت به آقای اعلی «نصیحت هستیم!» کاری نکنید که این خامنه‌ای عصبانی بشود. خامنه‌ای چند بار عصبانی شد، هر دفعه دهنه پاره کرد و شروع کرد به جفتک انداختن! زبان‌مان لال ممکن است یک جفتک بزند گوشه چشمان شهبازی شما بادمجانی شود. دیگر «بی.بی.سی» از شما عکس «سکسی» در کنار نامه‌های تان چاپ نخواهد کرد. اصلاً این آقای اعلی چرا می‌خواهند رئیس‌جمهور بشوند؟ مگر کار شرافتمندانه قحط است؟ نجاری، کفاشی، بنائی و خیلی کارهای دیگر می‌توان کرد. مثلاً وبلاگ بنویسید! بنویسید تا فیلتر شوید و باز هم به مقام معظم نامه بنویسید که:

«این فیلترها را ما از چشم شخص شما می‌بینیم. با این فیلترها جمهوریت نظام را به خطر انداخته‌اید. چه شده که از صدها وبلاگ نویس فقط شما ۴ نفر را فیلتر نکرده‌اید...»

ولی ما فکر می‌کنیم اصلاً جمهوریت این نظام خدشه‌بردار نیست. اعلی حرف بی‌خود می‌زند. امروز کاشف به عمل آمد که زهره رهنورد، همسر میرحسین موسوی، از غیرت «آقاشان» در سال ۱۳۶۰ در مجله «زن‌روز» خیلی داد سخن داده بودند. خلاصه امروز که ایرنا بند «زهره خانم» را آب داد، شنیدیم که خیلی‌ها در شمال شهر تهران گفتند: «پدرسوخته! این موسوی هم حزب‌اللهی بوده!» بله، ولی ما می‌دانستیم که میرحسین موسوی یکی از مشکلات‌اش در دانشکده معماری، زمان شاه این بود که به زن‌ها نگاه نمی‌کرد و از چپ‌ها متنفر بود. موسوی عین پاسدارها وقتی دختران از او سئوالی داشتند، سرش را می‌انداخت پائین و به غیراسلامی‌ها هم با نفرت عجیبی می‌نگریست چون نمی‌توانست اعدام‌شان کند! بعداً همه را اعدام کرد! این مردک حزب‌اللهی، متحجر و احمق حالا شده سمیل «اصلاحات» و «دمکراسی» در کشور ایران. خلاصه «زهره‌خانم» هم در مصاحبه‌شان فرموده بودند:





محسن «خوش تیپه» در مقام ریاست جمهور می تواند به همراه «صادق خوشگله» در صحنه بین المللی ظاهر شده، هم توی دهن مخالفان حکومت اسلامی بزند، و هم رعایت اصول مذهب و دین و خدا و آخرت و عاقبت را بکند. پیشنهاد می کنیم که از هم اکنون چند نفر متخصص از امارات بیاورند تا شیوه های مناسب راه رفتن و قر و قمیش را به صادق خوشگله یاد بدهند تا در صورت لزوم بتواند از راه و رسم دلربائی در صحنه سازمان ملل و دیگر اماکن مهم به نفع اسلام و مسلمین استفاده حلال بکند. اگر از امارات کسی حاضر نشد به جمکران بیاید، هیچ ناراحت نشوید! مایکل جکسون در کاخ امیر بحرین برای هرگونه فداکاری و شهادت در راه اسلام آماده است. خلاصه «صادق خوشگله» باید سنگ تمام بگذارد! می دانیم که مسئله آبروی ما ملت است در برابر جهانیان. اصلاً در بالکن آورده اند که:

«اینطور نباشد که بعضی برای ملت مسلمان صادق خوشگله باشند. من نصیحت هستم به این آقای رضائی! توی دهنش هم می زنم. اصلاً بهتر است همان گه بیاید! قر و غمزه نباشد بر ملت؛ اسلام هم «خدشه» و چه و چه نکند. چیه بچه؟! دست نکن! (اعلمی؟! نه اون یکی گه را می گم!) احمدی را می گم!

